

پیکار جوانان

نشریه منطوقوی

جنبش انقلابی جوانان افغانستان

(مارچ ۲۰۰۷)

حوت ۱۳۸۵

شماره چهارم

سال اول



"منشور مصالحه و آشتی ملی"

گام دیگری در مسیر خیانت ملی



"منشور مصالحه و آشتی ملی" که درین اواخر توسط پارلمان رژیم پوشالی تصویب گردید و توسط سردمدار رژیم یعنی حامد کرزی، این شاه شجاع سوم، توشیح گردید و حیثیت یک "قانون" در "جمهوری اسلامی افغانستان" را بخود گرفت. گام دیگری در مسیر خیانت ملی و دشمنی با کشور و مردمان کشور است. صفحه ۲

کی می رود ز خاطر،

خون روان مردم

بمناسبت قیام توده یی ۲۴ حوت

۱۳۵۸

صفحه ۴

روز جهانی زن گرامی باد

هشتم مارچ روز جهانی زن است. در این روز تمامی زنان مبارز و مردان حامی مبارزات آنان آماده میشوند تا یکبار دیگر خواست رهایی و آزادی از ستم را فریاد کنند، تجارب نوین و دست آوردهای جدید مبارزاتی خود را مطرح کنند

صفحه ۳

" منشور مصالحه و آشتی ملی "

گام دیگری در مسیر خیانت ملی



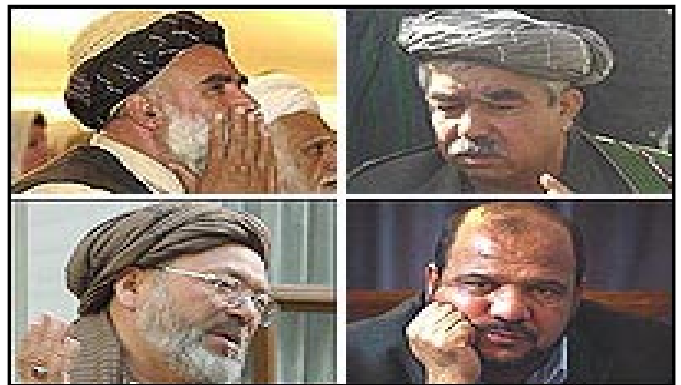
کاشانه شان را از دست داده و مورد انواع تجاوزات و چپاولگری ها قرار گرفته اند ، حق شان برای تعقیب عدلی و قضائی جنایتکاران محفوظ است . جانین نمی توانند با قانون های خود ساخته شان این حق را از آنان بگیرند . توده ها می توانند - و باید - پس از بیرون راندن نیروهای اشغالگر از کشور ، سرنگون نمودن رژیم دست نشانده و تشکیل حاکمیت ملی و مردمی خود شان ، از این حق استفاده کنند .

در کشور اشغال شده و تحت حاکمیت خائنین ملی ، جنایت امری نیست که صرفا به گذشته تعلق داشته باشد ، بلکه هم اکنون نیز بصورت شدید و گسترده ای وجود دارد و توده ها از آن به شدت رنج می برند . قربانیان این جنایات نه تنها حق دارند جنایتکاران گذشته را به پای میز محاکمه کشانده و به جزای اعمال شان برسانند ، بلکه جنایتکاران کنونی یعنی حاکمان فعلی را نیز می توانند - و باید - تحت تعقیب عدلی و قضائی قرار دهند و به جزای اعمال شان برسانند .

با تصویب " منشور مصالحه و آشتی ملی " توسط پارلمان و " رئیس جمهور " دولت نام نهاد ، یکبار دیگر محتوای اصلی توهمات پارلمانتاریستی و تسلیم طلبانه در قبال این رژیم افشا شد و در عمل ثابت گردید که ادعای پیشبرد مبارزات مردمی از کانال ها و مجرا های دولتی کنونی ، صرفا یک ادعای میان تهی است و فقط و فقط می تواند آرایش دهنده دموکراسی کذائی کنونی باشد . توده ها حق خواهند داشت کسانی را که با چنین ادعاهای پوچی بر کرسی های پارلمان و یا مراجع دیگر قدرت حاکمه دست نشانده تکیه زده اند و کماکان به این کار ادامه می دهند . جزء جرگه جنایتکاران محسوب نمایند و به جرم نشستن در این بساط خیانت و جنایت به محاکمه بکشانند .

" جنبش انقلابی جوانان افغانستان "

" منشور مصالحه و آشتی ملی " که درین اواخر توسط پارلمان رژیم پوشالی تصویب گردید و توسط سردمدار رژیم یعنی حامد کرزی ، این شاه شجاع سوم ، توشیح گردید و حیثیت یک " قانون " در " جمهوری اسلامی افغانستان " را بخود گرفت . گام دیگری در مسیر خیانت ملی و دشمنی با کشور و مردمان کشور است . درین سند خائنه تمامی جنایات گذشته چاکران میهن فروش سوسیال امپریالیزم شوروی ، جهادی ها و طالبان چپاولگر و قاتل مورد عفو قرار گرفته و همه جنایتکاران از تعقیب عدلی و قضائی معاف اعلام گردیده اند . تصویب این " منشور " یکبار دیگر ثابت می سازد که رژیم دست نشانده مجمعی از جنایتکاران و خائنین خافی است که در گذشته و حال از دست یازی به هیچ جور و جفایی در حق این کشور و مردمان آن خود داری نکرده اند . جنبش انقلابی جوانان افغانستان این " قانونگزاری " خائنه



و جنایتکارانه را به شدت تقبیح و نکوهش نموده و این اقدام جنایتکارانه و ضد انسانی را کاملا مردود اعلام می نماید .

حاکمیت پوشالی کنونی توسط متجاوزین و اشغالگران امپریالیست بر مردمان افغانستان تحمیل گردیده است . این رژیم تحت هیچ عنوان و توجیه و بهانه ای نمی تواند ممثل اراده آزاد مردمان این کشور باشد و در هیچ مسئله ای نمی تواند صلاحیت نمایندگی از آن ها را داشته باشد

کسانی که طبق " منشور مصالحه و آشتی ملی " تصویب شده توسط پارلمان و سردمدار رژیم مورد عفو قرار گرفته اند ، تقریبا همگی بر ارگان های قدرت پوشالی تکیه زده اند . به عبارت دیگر جنایتکاران خود " قانونی وضع نموده و در آن خود شان را از تعقیب عدلی و قضائی معاف اعلام نموده اند ، تا توده های زجر کشیده و پامال شده را از حق مسلم شان محروم کنند .

توده هاییکه طی سه دهه گذشته پیوسته قربانی شده و میلیون ها میلیون نفر شان به قتل رسیده ، زخمی و معیوب گردیده ، خانه و

روز جهانی زن گرامی باد

تنگاتنگ با ستم ملی (اعم از ستم ملی امپریالیستی و ستم ملی شونیستی) قرار دارد. از اینرو زنان مبارز نمی توانند مبارزات شان را محدود و منحصر به مبارزه و مقاومت علیه اشغالگران و رژیم دست نشانده - علیرغم عمده بودن آن در شرایط کنونی - بنمایند. این مبارزات به مثابه مبارزات همه جانبه تمامی عرصه های جامعه، از محیط کوچک خانواده تا سطوح وسیع جامعه، رادر بر می گیرد. در شرایط کنونی، به ویژه مبارزه جدی و قاطع علیه آن پیش و خط ارتجاعی زن ستیز از اهمیت بزرگی برخوردار است که حق خواهی زنان و مبارزات بر حق آنان را "مارک امریکائی" می زند و مخالفت و مقاومت علیه اشغالگران را مترادف و مساوی با انکار حقوق زنان و نفی مبارزات حق طلبانه آنان می داند. اینچنین پیش و خط ارتجاعی که امروز عمدتاً طالبان در حال جنگ با قوای خارجی و رژیم پوشالی عامل و حامل آن هستند، صرفاً بر خاسته از مواقف و منافع فئودالی بومی نمی باشد، بلکه دو مرجع و منبع بین المللی و خارجی نیز دارد. روشن است که مرجع و منبع جهانی آن همانا امپریالیزم جهانی است. رژیم طالبان توسط امپریالیست های امریکائی و متحدین امپریالیست و دنباله روان ارتجاعی آنها ساخته و پرداخته شد و بر مردمان افغانستان تحمیل گردید

هشتم مارچ روز جهانی زن است. در این روز تمامی زنان مبارز و مردان حامی مبارزات آنان آماده میشوند تا یکبار دیگر خواست رهائی و آزادی از ستم را فریاد کنند، تجارب نوین و دست آورد های جدید مبارزاتی خود را مطرح کنند و رشته های پیوند و اتحاد محکمتر خویش را به نمایش بگذارند. در این روز تاریخی باید اندیشه و عمل انقلابی در میان استثمار شدگان و تحت ستم قرار گرفتگان سراسر جهان، بخصوص زنان زحمتکش و تحت ستم طنین انداز شود. هشتم مارچ روز مبارزه برای آزادی و رهائی زنان در سراسر جهان است. در کشور اشغال شده افغانستان، اشغالگران امپریالیست و رژیم پوشالی حامد کرزی این شاه شجاع سوم برای اینکه پرده فریبی بر روی اشغالگری و خیانت ملی شان کشیده باشند، به پیشواز برگزاری روز جهانی زن میروند، این یک حرکت آگاهانه برای خنثی کردن و از محتوا تهی کردن این روز مبارزاتی میباشد تا بتوانند آنرا مهار کنند و تحت کنترل خود بگیرند. باید به تمامی مردمان آزاده این سرزمین، خصوصاً زنان ستمدیده افغانستان واضح ساخت که این روز یک روز بیاد ماندنی در تاریخ مبارزات زنان جهان است و آنطوری که اشغالگران امپریالیست و



. این موضوع را نباید در شرایط امروز، و همچنان در شرایط آینده، به فراموشی سپرد. مرجع و منبع خارجی دوم پیش و خط ارتجاعی طالبان، پان اسلامیزم ارتجاعی تقویت کننده آنان است که مبارزه و مقاومت علیه کارزار بین المللی جنگی امپریالیست های امریکائی و متحدین شان را با ترجمه و تفسیر شدیداً ارتجاعی و واپسگرایانه می آلاینند. این مرجع و منبع خارجی نیز به نوبه خود توسط قدرت های امپریالیستی سازماندهی و تقویت گردیده و صرفاً برخاسته از شرایط درونی کشور های اسلامی نیست.

از لحاظ بین المللی با براه افتادن گلوبالیزسیون سرمایه داری و هجوم وسیع سرمایه از کشور های امپریالیستی به کشورهای عقب مانده، بخشهای بزرگی از زنان از خانه بیرون کشیده شده و درگیر کار و تحصیل گشته اند. در عین حال، زنان همچنان در سطح کل جامعه بشری موقعیت درجه دوم داشته و اسیر نظام مردسالار بوده هستند. این تناقض، مسئله زن را در سراسر جهان حادث کرده است. زنان جهان در چنگ نظام های پدرسالار - مردسالار (هم ارتجاعی و فئودالی و هم "مدرن" و امپریالیستی

رژیم پوشالی دست نشانده مطرح میکنند و آنرا برگزار مینمایند نیست. هشت مارچ روزی است که باید زنان با برگزاری آن، به رسمیت شناساندن هویت اجتماعی و انسانی خویش را جستجو کنند، و واقعیتهای که در نظامهای طبقاتی مردسالار برای قرنهای نادیده گرفته شده و کماکان نادیده گرفته می شود. رهائی و آزادی زنان تحفه ای نیست که اشغالگران و دست نشاندهگان شان به زنان پیشکش کنند، آنهم در بدل قربانی کردن استقلال و آزادی ملی کشور و مردمان کشور و به گردن نهادن زنجیر انقیاد ملی. رهائی و آزادی زنان با مبارزه طولانی و سخت خودزنان و حمایت مردان آزادیخواه از مبارزات آنان به کف می آید. در شرایط کنونی افغانستان، مبارزه زنان بخاطر رهائی و آزادی عمدتاً بخشی از کل مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران امپریالیست و خائنین ملی دست نشانده شان بوده و تابع منافع عمومی آن است.

اعمال ستم بر زنان بخش لایتجزائی از کل نظام ستمگراانه حاکم بر جامعه بوده و در پیوند با استثمار طبقاتی و همچنان در یک رابطه

کرده اند. اما لازم است که سطح مخالفت و مقاومت بالا برده شود و ما مصممانه در حال انجام آن هستیم باید به این سطح از آگاهی رسید که تا دست اشغالگران امپریالیست و رژیم دست نشانده کنونی از سردمدان ما کوتاه نگرند، آزادی زنان نیز میسر نخواهد بود. در شرایط کنونی، مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران امپریالیست و خائنین ملی دست نشانده شان، آن چوکات عمومی ای است که مبارزات حق طلبانه زنان علیه ستم مرد سالاری نیز عمدتاً در داخل آن پیش برده می شود. برین مبنا است که روز جهانی زن را گرامی می داریم و مبارزات زنان رزمنده را بطور روز افزونی شگوفان تر و پر بار تر می خواهیم و دست آورد های عظیمی برای آن آرزو می نمائیم.

به پیش در راه برپائی و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی!
زنجرها را بگسلیم! خشم زنان را به مثابه نیروی قدرتمندی برای انقلاب رها کنیم!

" جنبش انقلابی جوانان افغانستان "
هشت مارچ ۲۰۰۷

(که از آنان تبعیت و خدمت می خواهند، در اسارت، جان می دهند. در جهان کنونی در مقابل زنان دو بدیل می گذارند: به اصطلاح رهائی امپریالیستی یا سنت خفقان آور فتودالی. آنان کدامیک را باید انتخاب کنند؟ هیچکدام را، زیرا که هر دوی این بدیل ارتجاعی با رهائی زنان هیچ وجه اشتراکی ندارند؛ اصلاً با منافع اساسی اکثریت مردم جهان، چه زن باشند و چه مرد، وجه اشتراک ندارند.

جنبش انقلابی جوانان افغانستان با تعهد استوار این شعار را سر میدهد که ما عزم راسخ داریم تا یک جنبش مقاومت ملی مردمی و انقلابی قدرتمند علیه تجاوز، تهاجم و اشغال آمریکا بسازیم. تجاوز و اشغال آمریکا امروز شامل افغانستان و عراق است و آنها نقشه می کشند که ایران یا کشورهای دیگر، بخصوص در شرق میانه و آسیای میانه و آسیای جنوبی، را نیز مورد تجاوز و اشغال قرار دهند. امپریالیزم آمریکا بطور افسارگسیخته بدنبال کنترل تمام جهان است. میلیون ها نفر در آمریکا و در سائر کشور های جهان با این نقشه و برنامه های ارتجاعی که رژیم بوش می خواهد در جهان و در داخل آمریکا تحمیل کند مخالفت

کی می رود ز خاطر خون روان مردم

بمناسبت قیام توده یی ۲۴ حوت ۱۳۵۸

شدت علیه این قیام عکس العمل نشان دادند. طی دو روز متوالی شهر و روستاهای اطراف آن توسط طیارات مربوط به قوای هوایی رژیم و همچنان طیارات قوای هوایی " شوروی " که از میدان های هوایی آنسوی مرز های شمال افغانستان پرواز می کردند، بمباران گردید. ده ها هزار از توده های قیام کننده در این بمباران ها جان باختند و یا زخمی شدند. تنها رقم جان باختگان به مرز ۲۵۰۰۰ نفر رسید. هیچ کوچه و محله شهر هرات و هیچ قریه و روستای اطراف آن از سهم بودن در این قربانی عام بی نصیب نماند.

اما کشته ها یخاک سپرده می شدند، زخمی ها از عرصه کارزار بیرون برده می شدند و قیام ادامه می یافت. دشمن زبون که از دم منشی و خونریزی گسترده نتیجه ای نگرفت، حيله ای براه انداخت و با استفاده از آن فرقه عسکری را به محاصره کشید، به درونش نفوذ کرد و قیام کنندگان در آنجا را سرکوب نمود. از دست رفتن فرقه عسکری ضربه سختی به قیام وارد نمود و شکست آنرا رقم زد.

حيله گران خونریزی که پس از سرکوب قیام فرقه در درون آن خفاش صفت کمین کرده بودند، هزارها تن از اهالی شهر و روستا را که با بیخبری از اوضاع، به تصور خود شان برای قیام کنندگان غذا و سائر مایحتاج شان را می رساندند، دستگیر کردند.

وقتی آفتاب روز ۲۶ حوت غروب کرد، آفتاب قیام ۲۴ حوت نیز غروب کرده بود. این غروب گلگون رنگ شب و روزها و شب های خونینی در پی داشت. دشمن زخم خورده در پی انتقام گیری بر آمد. اهالی شهر هرات و روستاهای اطراف دسته دسته دستگیر شدند، گروه گروه به قتل رسیدند و در گور های دسته دسته جمعی در زیر خاک مدفون گردیدند.

قیام به شکست انجامید، اما مقاومت به شکل دیگری ادامه یافت؛ ولی اصولی ادامه نیافت و در جهت امیال اساسی توده ها پیش نرفت. وقتی

" هر صفحه ای از تاریخ این کشور، از سبعت و ددمنشی متجاوزین و اشغالگران بیرونی و جباریت و ستمگری سبانه حکام بومی و سرگذشت غم انگیز و پر درد و رنج توده های آن حکایت می کند. در همه ادوار، متجاوزین و اشغالگران بیرونی و حکام خون آشام بومی برای به بردگی کشاندن توده ها و استمرار حاکمیت ضد مردمی شان، خلق های کشور را در ددمنشانه ترین شکل مورد سرکوب و قتل و غارت قرار داده اند. بدون مبالغه میتوان گفت که متجاوزین و اشغالگران بیرونی و جانپان بومی حاکم بر افغانستان در جنایت، قساوت، جباریت و ستمگری در صف اول جباران و ستمگران تاریخ قرار داشته اند، همانطوریکه محرومیت و ستمدیدی مردم این مرز و بوم نیز کمتر مثل و مانندی دارد. " (اعلامیه جنبش انقلابی جوانان افغانستان)

یکی از این صفحات تاریخ، قیام توده یی ۲۴ حوت ۱۳۵۸ توده های شهر هرات و روستاهای اطراف آن علیه رژیم کودتایی مزدور و سرکوب دد منشانه و به شدت خونین آن توسط جنایتکاران مزدور سوسیال امپریالیزم شوروی و باداران شان است.

توده های تکه از مظالم و استبداد بیمانند رژیم کودتایی به تنگ آمده بودند، روز ۲۴ حوت ۱۳۵۸، با دستن خالی در شهر هرات علیه رژیم دست به قیام زدند. شهریان هرات و مردمان روستاهای اطراف شهر قادر شدند در همان ساعات اول قیام اکثریت ساحات شهر را از دست عوامل خونخوار رژیم بیرون کنند. وقتی فرقه عسکری دولتی از درون متلاشی شد و قیام کنندگان درون فرقه نیز با توده های قیام کننده همراه گشتند، به استثنای چند نقطه مهم در شهر یعنی قومندانیه و محبس، تمامی شهر در کنترل قیام کنندگان قرار گرفت.

رژیم ددمنش و خونخوار همراه با ارباب سوسیال امپریالیستی اش به

دارند محصلان استقلال افغانستان از چنگال سوسیال امپریالیست های شوروی و نوکران شان هستند؛ آنهائیکه کل افتخارات مقاومت علیه سوسیال امپریالیست ها و مزدوران شان را به خود منسوب میدانند، آنهائیکه به یاد قربانیان قیام ۲۴ حوت " تپه شهدا " ایجاد می کنند و هنوز هم از افتخارات این قیام می خورند؛ با بیشرمی و بی آبرویی کامل سیاسی، دست در دست سائرمهقطاران قاتل و جنیتکار شان می گزارند و با آنها اتحاد سیاسی بر قرار می کنند. جالب اینجا است که نام این اتحاد سیاسی خائنانه " جبهه متحد ملی " گذاشته می شود.

اما مردم، جانباختگان خود را فراموش نمی کنند. بگذار خائنین ملی و دشمنان مردم هر قدر می توانند در حق توده ها و جانفشانی های آنها جفا و غدر و خیانت روا دارند! روز انتقام فرا خواهد رسید!

ای جفاکاران بدانید روز پسران می رسد

روز حکم مردم بی سر و سامان می رسد

**این نف آلوده هوا این خشک موسم سر رسد
روز برق و باد و روز سیل و توفان می رسد**

سال ها بعد، رژیم سرکوب کننده قیام ۲۴ حوت و قاتلان چند میلیون از مردمان این مرز و بوم فرو پاشید و " قهرمانان مقاومت " قدرت را از بقایای آن تحویل گرفتند؛ خون های ریخته شده میلیونی توده ها را به فراموشی سپردند و قاتلان آنها را در بدل تحویل گیری قدرت مورد عفو قرار دادند. آنها به ادامه این خیانت عظیم شان، خیانت های دیگری مرتکب شدند. در دوران حاکمیت ارتجاعی و ضد انسانی آنان، آنچنان جنایاتی به وقوع پیوست که جنایات سوسیال امپریالیست های شوروی و نوکران شان را در اذهان کمرنگ ساخت. این " قهرمانان " خائن به عرصه ای که قهرمانی های شان را مدیون آن بودند، سرانجام خود به جنگجویان زیر رکاب متجاوزین و اشغالگران دیگری مبدل گردیدند و یکبار دیگر این مرز و بوم و مردمان آن فاقد حتی استقلال و آزادی ملی ظاهری شدند.

مجمع عمومی خائنین ملی " خلقی - پرجمی "، جهادی و طالبی ای که " دولت جمهوری اسلامی افغانستان " نام دارد، با اتکا به قوت های نظامی و حمایت های سیاسی و اقتصادی اربابان اشغالگر و غیر اشغالگر شان، " قانون " وضع می کند و نام انرا " منشور مصالحه و آشتی ملی " می گزارد تا خائنین ملی و جنایتکاران شامل در ارگان های مختلف قدرت خود را، از لحاظ سیاسی و قضائی غیر قابل تعقیب و غیر قابل مجازات اعلام کند.

اکنون در ادامه و در پروسه همین خیانت های جاری، آنهائیکه ادعا

گزارش و تحلیلی از تظاهرات سه چرخه داران در هرات

برای اینکه بتواند آنها را ساکت نماید از آنها سه نفر نماینده طلب نمود. سه چرخه داران از میان خود سه نفر نماینده را برای حل معضله به ولایت فرستادند و سید حسین انوری برای آنها وعده داد که مشکلاتشان را به زودترین فرصت با مدیریت ترافیک هرات در میان خواهد گذاشت و زمینه کار را برایشان مساعد خواهد نمود. جناب والی به تاریخ ۲۷ دلو ۱۳۸۵ تصمیم نهایی خویش را اعلام کرد و گفت که فیصله مدیریت ترافیک هرات درست است و بر اساس قوانین ترافیک فیصله ای که در مورد سه چرخه های باری و مسافرکشی به عمل آمده، باید مراعات شود.

این فیصله زمینه تظاهرات دیگری را بوجود آورد و باعث شد که به تاریخ ۳۰ دلو ۱۳۸۵ بازهم سه چرخه داران به شکل گروه های ۵ نفره و ۱۰ نفره به طرف ولایت بروند تا برای بار دیگر خواسته های خود را در میان بگذارند. میر عبدالخالق (حاجی میر) معاون ولایت هرات به سه چرخه دارانی که به ولایت حاضر شده بودند گفت که برای حل مسئله به داخل استدیوم ورزشی نزدیک پارک ترقی بروند تا با آنها صحبت نماید، آنها هم از ولایت دور شده و در داخل چمن استدیوم جمع شدند.

ساعاتی بعد پولیس با باتوم و سپر مخصوص بالای آنها حمله می نماید و بدون هیچ مقدمه ای چند نفر را مورد لت و کوب شدید قرار میدهد. در عکس العمل علیه این اقدام پولیس، در ابتدا یک تعداد از سه چرخه داران معترض پا به فرار می گذارند، اما زمانی که می بینند لت و کوب ادامه یافته و یک تعداد از آنها به دست پولیس زخمی می شوند اکثریت آنها به خشم آمده و بالای پولیس حمله ور میشوند. پولیس که نمی

در نیمه اول برج دلو مدیریت ترافیک هرات دستور داد که سه چرخه داران باید سه چرخه های خود را به ترافیک آورده و جواز سیراخذ نمایند. این فیصله باعث شد که مامورین پولیس ترافیک در گوشه و کنار شهر به جمع آوری سه چرخه ها مصروف شوند و تعداد زیادی از سه چرخه ها را جمع آوری نمودند. همچنان مدیریت ترافیک هرات دستور صادر کرد که سه چرخه ها باید در مسیرهای خارج از شهر به گشت و گذار پردازند و گشت و گذار در داخل شهر برای آنها به کلی ممنوع شد. یک تعداد از سه چرخه ها که خلاف فیصله ترافیک عمل کرده و به مسافرکشی در داخل شهر ادامه داده بودند در مدیریت ترافیک قید شدند.

در اعتراض به این فیصله ها و اقدامات مدیریت ترافیک، سه چرخه داران چند مرتبه تظاهرات نمودند و خواستار رسیدگی به مشکلاتشان توسط سید حسین انوری والی هرات شدند. آنها ادعا داشتند که جواز سیر سه چرخه مبلغ ۸۰۰۰ افغانی تعیین شده است در صورتیکه اولاً ما توان تهیه این مقدار پول را نداریم و ثانیاً برای تهیه جواز سیر باید دو سه هفته از کارمان دست بکشیم. در صورتیکه نخواهیم وقت زیادی را بدنبال جواز سیر سرگردان شویم باید حداقل دوهزار افغانی هم رشوت بدهیم تا کار ما اجرا شود. تازه بعد ازین همه مصارف و بیکاری ها باید در خارج از شهر به کار و کاسبی مان ادامه دهیم، جایی که درآمد ما به حداقل میرسد و گشت و گذار مسافرین اصلاً با سه چرخه صورت نمیگیرد!

این موضوعات بود که تظاهرات آنها را وسعت داد و سید حسین انوری



تواند در مقابل خشم آنها استادگی نماید به سمت ولایت عقب نشینی میکند و مردم هم به دنبال آنها حرکت میکنند. زمانی که دسته های خشمگین مردم به ولایت نزدیک میشوند افراد کمربند امنیتی اطراف ولایت دست به سلاح برده و به فیر مرمی متوسل میشوند. براساس گزارشات تلویزیون دولتی، در اثر زرد و خورد ۴ نفر کشته و ۱۸ نفر زخمی می شوند. اگر چه براساس گفته های شاهدان عینی تعداد تلفات بالاتراز اینهاست، اما نشرات رادیو و تلویزون همین ارقام را گزارش داده اند. مردم خشمگین زخمی های خود را گرفته و با حمل جنازه ها به طرف شفاخانه حوزوی هرات، با سر دادن شعارهای ضد دولتی، مرگ بر امریکا و مرگ بر کرزی، برپولیس مسلح حمله ور میشوند. تظاهرات ساعتی دوام می نماید.



به اساس گزارشهای دیگری که همان شب از طریق تلویزیون طلوع پخش گردید، عساکر مسلح، خبرنگار تلویزیون آریانا را مورد ت و کوب قرار داده و کامره فیلم برداری وی را نیز گرفته و قید می نمایند. گزارشگر تلویزیون میگفت که این کار خلاف اصول و پرناسیپ ژورنالیستی است و عاملین این حادثه باید به زودترین فرصت مجازات شوند.



پولیس تقریباً صد نفر از معترضین را دستگیر نموده که تا تاریخ ۲۰ حوت ۱۳۸۵ به تعداد ۲۱ نفر از آن ها در قوماندانی امنیه ولایت هرات در حبس به سر برده و سرنوشت شان هنوز معلوم نیست. پولیس ادعا دارد که این افراد عاملین قتل و کشتار مردم بیگناه هستند، در صوتیکه آن افراد توسط پولیس به قتل رسیده اند. ولی از عساکری که دست به سلاح برده اند و یا آنهاستیکه در چمن استدیوم بالای مردم حمله ور شده بودند، هیچ حرفی در میان نیست. خلاصه در ارتباط با عاملین اصلی این حادثه که مردمان بیگناه را به خاک و خون کشیده اند از طرف دولت هیچ اقدامی صورت نگرفت. یگانه عکس العملی که دولت نشان داد تبدیلی مدیر ترافیک هرات بود و بس!

سوال اینجاست که حکومت چرا در ابتدا جلو ورود سه چرخه ها و موتر سایکل های زرنج را که از مرز توسط سرمایه داران و تجار وارد شدند نگرفت و برایشان اجازه وارد نمودن چنین اموالی را صادر نمود؟ مگر حکومت مطلع نیست که مردمانی که امروزه صاحب سه چرخه هستند همان هایی اند که دیروز یک گاری کوچک دستی داشتند و یا هم اسب و گادی و کراچی چوبی؟ مگر دولت ازین امر مطلع نیست که سه چرخه داران مردمانی اند به شدت فقیر؟ تعدادی از آنها با فروش طلا ی همسران شان و حتی با فروش دختران شان سه چرخه خریداری کرده اند. این پول که از حاصل رنج کارگران فقیر جامعه و از فروش اجباری دختران شان حاصل شده به جیب چه کسانی رفته است؟ آیا دولت بازهم میتواند خود را تبرئه کند و بگوید که مقصر سیستم دولتی ما نیست؟ شاید هم بگوید کسانی که امروزه از حق مسلم خویش طرفداری کرده، خون داده و کشته داده اند آنها مقصرین اصلی محسوب می شوند.



آنها بودند که اجازه ورود سه چرخه ها را داده اند!! دیگر کدام جای شک و تردیدی باقی خواهد ماند که در کشور فاقد استقلال، سیاسی و اقتصادی، تغییر آنی اسب و گادی به موتر زرنج یکنوع تمدن محسوب میگردد (به نظر یک تعداد تسلیم طلب و خود فروخته)؟ اما



اینکه این تغییر چه اندازه از ستم اجتماعی میکاهد جوابی در دست نیست! اجازه ورود سه چرخه ها از طرف دولت دست نشاندۀ سردست گرفته شده ولی چه میزان بر رفاه و آسایش مردمان اثر گزار بوده است؟ چه کسانی از واردات سه چرخه های زرنج سود برده اند؟ مردمان ستم دیده کشور و

یا قشر سرمایه دار و دلال؟ بوضاحت دیده میشود که سود سرمایه داران و دلال وابسته بی نهایت زیادت از سودی است که یک شخص با فروش طلای همسرش و یا با فروش دختر جوان اش برای خرید یک سه چرخ بدست می آورد!!!



فعلا سه چرخه داران در داخل شهر آزادانه به گشت و گذار مصروف شده اند و پولیس ترافیک ظاهرا مانع آنها نیست. اما یقینا باز هم برای آنها معضله تراشی خواهد کرد. فرض کنیم پولیس ترافیک دیگر معضله تراشی نکند و حق گشت و گذار برای سه چرخه داران در بدل چندین کشته و زخمی و صد نفر زندانی تثبیت گردد، آیا بصورت کل کار یک سه چرخه با تمام این معضلات خود میتواند جوابگوی نیازهای خانوادگی یک فامیل باشد؟ آیا این خود میتواند از ستم اجتماعی ای که بر مردمان این سرزمین تحمیل گشته بکاهد؟ و یا بصورت دیگر میتواند سمبلی از تمدن در یک جامعه محسوب شود؟ و هزاران سوال دیگر!! آیا می توان این حقیقت تلخ را که با خون توده های ستم دیده این سرزمین بازی میشود و هر لحظه از خون آنها سرمایه داران دلال و کمپرادور وابسته در پول غوطه ورمیشوند، نادیده گرفت؟

همه این معضلات ریشه در سیستم مستعمراتی و ارتجاعی حاکم بر جامعه دارد که هر لحظه آتش نابرابری های طبقاتی را دامن می زند. امپریالیسم در کشورهای تحت سلطه ابقاء کننده، مدافع و نگهبان استبداد عریان نیمه مستعمراتی - نیمه فئودالی یا مستعمراتی - نیمه فئودالی بوده و هست. هم اکنون نیز یک سیاست شبه فاشیستی از درون کارزار جهانی جاری امپریالیست های امریکایی در هر دو بعد داخلی و بین المللی خود متباز گردیده است. در شرایط جاری جهانی گلوبالایسیون سرمایه دارانه امپریالیستی اساس حاکمیت ملی مردمان و در نتیجه اساس تحقق دموکراسی و مردمسالاری در کشورهای تحت سلطه را بیشتر از پیش مورد تهدید قرار داده است. در چنین حالتی ادعای تحقق دموکراسی در کشوری مثل افغانستان که مستقیما در چنگال نظامی خشن این گلوبالایسیون اسیر است، نه تنها یک توهم و خیال بلکه یک فریبکاری و دغلبازی آشکار سیاسی است. برخاستگاه اساسی و عمده تمامی حرکت های اعتراضی توده بی همین نظام حاکم و بصورت عمده همین چنگال نظامی خشن گلوبالایسیون سرمایه داری امپریالیستی یعنی امپریالیست های متجاوز و اشغالگر و رژیم دست نشانده آنها، این مجمع خائنین ملی، است. خانه خرابی های روز افزون و فقر هر دم روبه ازدیاد توده ها، اعم از فقر نسبی و فقر مطلق، به شمول بیکارسازی های مداوم نتیجه معمولی عملکرد نظام حاکم بر افغانستان و جهان است. بطور مشخص زورگویی های قوای اشغالگر و فساد اداری، اختلاس، چور و چپاول داری های عامه، رشوه ستانی، زورگویی و حق تلفی های روزمره در ادارات رژیم دست نشانده، که جمعا بمثابه محرک عمده حرکت های اعتراضی توده بی عمل مینمایند، خصایل ذاتی و سرشتی قوت های اشغالگر امپریالیستی و یک رژیم دست نشانده، مزدور و وطن فروش است. ازین جهت اعتراضات در آینده گسترده تر و عمیق تر خواهند شد اما نمی توانند به شکل مسالمت آمیز ادامه یابند. اشغالگران امپریالیست و رژیم دست نشانده که خاستگاه های این اعتراضات توده ئی را بدست خود بوجود آورده و روز بروز بر کیفیت و کمیت آنها خواهند افزود تا به آخر نخواهند توانست "مشق دموکراسی" به مردم را اجازه دهند. آنها "ناچار" اند دیر یا زود به بهانه تامین امنیت دست به سرکوب سرتاسری بزنند، همانطوری که توده های مردم نیز نمیتوانند تا به آخر به گسترش و تعمیق مبارزات شان، بصورت آرام و غیر قهری دل خوش کنند. سرکوب خشن و دد منشانه تظاهرات سه چرخه داران در هرات این واقعیت را به وضوح نشان داد.

از طرف دیگر رشوت و فساد اداری در دستگاه حاکمه بیداد می کند. در حالیکه معاشات مامورین پائین رتبه دولتی به هیچوجهی جوابگوی نیازمندیها و معیشت خود آنها و فامیل های شان نیست، معاشات وزرای کابینه دولتی تا مبلغ چهل هزار دالر امریکایی میرسد! این چه تفاوت فاحشی است که در این جامعه بر مردمان این دیار مستولی شده است؟ سه چرخه داران فقیر باید مبلغ هشت هزار افغانی برای خرید جواز سیر و مبلغ دوهزار افغانی بخاطر رشوت به مصرف برسانند تا در خارج از شهر به گشت و گذار بپردازند تا بتوانند حد اکثر در آمد روزانه ای در حدود ۱۰۰ افغانی بدست بیاورند ولی در مقابل جناب والی شخصا روزانه چند هزار دالر از در آمد واردات نفت و گاز را به جیب بزند. کزری ادعا دارد که این مملکت به تمام باشندگان آن تعلق دارد، ولی دروغ می گوید چونکه در عمل صرفا مشت قلیلی از وطن فروشان دارو ندار این کشور را به یغما میبرند و چیف و میل می کنند.

جنایت اشغالگران امپریالیست در نگرهار و کاپیسا وتظاهرات گسترده مردم



آن و لحظه این مسئله را ثابت میسازد که جنایت، زورگویی و قتل و کشتار مردمان یک کشور اشغال شده، جزء خصایل ماهوی نیروهای متجاوز و اشغالگر امپریالیستی محسوب میگردد. جنایاتی که دیروز سوسیال امپریالیست های شوروی انجام میدادند و جنایاتی که امروز امپریالیسم لجام گسیخته امریکا مرتکب میشود همه و همه ناشی از همین خصایل ماهوی بوده و هست.

بتاریخ ۱۴ حوت آژانس خبری اسوشیتد پرس اعلام کرد که عساکر امریکائی در قبال این واقعه عکس ها و ویدیوهائی را که دو ژورنالیست آن آژانس از واقعه برداشته بودند، از بین برده اند، اگرچه قوای نظامی ایالات متحده این واقعه را تأیید نکرد ولی اسوشیتد پرس اعلام نمود که رسماً احتجاج خواهد کرد.

در رابطه با واقعه ولایت کاپیسا، معاون والی کاپیسا رسماً به رادیو صدای امریکا گفت که در جریان فیرتوپخانه و بمباران هوائی امریکا مجموعاً نه تن از افراد غیر نظامی کشته شده اند که پنج زن و دو طفل در میان آن ها است. یک مقام استخباراتی این ولایت نیز از کشته شدن نه غیر نظامی سخن بمیان آورد و آنرا تأیید کرد.

این بار اول نیست که نیروهای اشغالگر امریکایی در افغانستان دست به جنایت می زنند، بلکه در ظرف پنج سالی که از زمان اشغال افغانستان و عمر رژیم دست نشانده میگردد، جنایت، قساوت و قتل و کشتار غیر نظامیان در هر گوشه و کنار این مملکت مشاهده شده و میشود. قدر مسلم است که رژیم پوشالی حامد کرزی هرگز قادر نخواهد بود عاملین امریکایی این جنایات را به محاکمه بکشاند و خود فرماندهان امریکایی در افغانستان نیز هرگز این کار را نخواهند کرد. آنها پیش از پیش گفته اند که بر اساس قراردادی که با دولت افغانستان بسته اند هیچ امریکایی در داخل افغانستان ولو اینکه جرمش ثابت باشد، محاکمه نخواهد شد، بلکه باید در خود امریکا محاکمه گردد. این مسئله ثابت می سازد که رژیم کرزی فاقد صلاحیت قانونی و حقوقی یک دولت میباشد و صرفاً مجمعی از خائنین ملی است که به ساز اربابش می رقصند.



دوشنبه ۱۳ و سه شنبه ۱۴ حوت ۱۳۸۵

بر اساس گزارشهای رسیده از نگرهار و کاپیسا تظاهرات گسترده ای از طرف مردمان این دوولایت، بخاطر جنایت اشغالگران امپریالیست که دست به قتل و کشتار اهالی ملکی و غیر نظامی زده بودند، بتاریخ های ۱۳ و ۱۴ حوت براه افتاده بود. نیروهای اشغالگر امریکایی از همان اوایل تهاجم خویش علیه نقشه های دقیقی که از مراکز نظامی طالبان و القاعده در دست داشتند دست به قتل و کشتار اهالی ملکی و مردمان غیر نظامی این سرزمین زدند، هزاران تن را کشته، زخمی و معیوب نموده و ده ها هزار تن دیگر را آواره و و بی خانمان ساختند. سلسله این قتل و کشتار هنوز به قوت و قدرت خود باقی است.

بر اساس گزارشهای تلویزیون طلوع و گزارش بی بی سی شانزده تن غیر نظامی به تاریخ سیزدهم حوت در نگرهار و نه تن غیر نظامی به تاریخ چهاردهم حوت در ولسوالی نجراب ولایت کاپیسا از طرف نیروهای امریکایی به قتل می رسند. گزارشها حاکی است که بعد از انفجار یک بمب انتحاری که تنهامنجر به کشته شدن شخص انتحارکننده میشود نیروهای امریکایی دست به سلاح برده و در اطراف خود به فیر مرمی اقدام مینمایند و شانزده تن از هموطنان ما را بی گناه به قتل میرسانند.



هراس افگنی در میان اهالی ملکی، یکی از خصایص همیشگی نیروهای امریکایی بشمار میرود، آنها در هر مسیری که براه میافتند در یوران و سایط نقلیه و اهالی ملکی محل عبورشان را مورد هراس افگنی و دهشت افگنی قرار میدهند. به این سبب همه مجبورند که خود را از مسیر آنها کنار زده و راه را بروی آنها باز نگه دارند و جاده ها را برایشان خلوت کنند، در غیر آن مورد هدف قرار گرفته و کشته خواهند شد و در رسانه های خبری و مطبوعات دولتی و تسلیم طلب انتحارکنندگان ناکام جلوه داده میشوند و یا به شکلی از اشکال از وابستگان طالبان و القاعده وانمود خواهند شد. !!! کشتار اهالی ملکی شهر کابل در هشتم جوزای ۱۳۸۴ و درگیری های مسلحانه در هرات و سایر ولایات افغانستان هر

ابراز سیاس و امتنان

جنبش انقلابی جوانان افغانستان قویا باورمند است که در جریان مبارزه گسترده ملی - دموکراتیک ، جنبش مقاومت ملی مردمی و انقلابی قدرتمند علیه تجاوز و اشغالگری امریکا ایجاد گردیده و گسترش می یابد . همانطوریکه در اعلامیه هشتم مارچ ذکر کرده بودیم در اینجا باز هم یادآوری میکنیم که اشغالگری امریکا تنها شامل افغانستان و عراق نیست ، بلکه امریکا طرحی برای تسخیر گسترده آسیای میانه ، آسیای مرکزی و خاور میانه را روی دست دارد و هر روز برای کشورهای این منطقه بهانه جویی هایی را سرهمبندی مینماید تا بتواند زمینه را برای حمله به این کشورها ، مساعد نماید . امپریلیزم امریکا امروزه بطور افسارگسیخته بدنبال کنترل تمام جهان است . میلیونها انسان در قاره امریکا و در سایر کشورهای جهان با این طرح اشغالگرانه امپریالیستی امریکا مخالفت می نمایند . در افغانستان اشغال شده نیز بدبختی های مردمان این سرزمین لحظه به لحظه اوج گرفته و میگردد و

این کشور را به طرف انفجار قدرتمندی به پیش هدایت میکند . در ظرف پنج سالی که از عمر رژیم پوشالی دست نشانده و اربابان اشغالگر امریکایی شان میگذرد مردمان ستم دیده افغان ستم دیده تر گردیده اند . از همه مهمتر اینکه زنجیر انقیاد بر دست و پایشان گره خورده است . این مسئله با مخالفت شدید اکثریت توده های وسیع این مرز و بوم مواجه شده است ، اما لازم است تا سطح این مخالفتها و مقاومت ها بالا برده شود . ما مصممانه و با عزم راسخ در حال انجام این مسئولیت مبارزاتی هستیم .

پیکار جوانان نشریه منطوقی جنبش انقلابی جوانان افغانستان بعد از انتشار سه شماره توانسته است طرفداران زیادی را بخود جلب نماید . " اعلامیه جنبش انقلابی جوانان افغانستان ، که پلانفرم مبارزاتی این جنبش را در حال حاضر تشکیل میدهد ، و مرام نشراتی پیکار جوانان ، که در شماره اول پیکار جوانان درج گردیده است و همچنان مندرجات دیگر نشریه با استقبال گرم خوانندگان مواجه شده است . در مرام نشراتی پیکار جوانان بیان گردیده است که این نشریه یک نشریه ملی - دموکراتیک و وابسته به توده های ستم دیده کشور است و در خدمت ستمدیدگان این سرزمین قرار دارد . جنبش انقلابی جوانان افغانستان ، رسالت بسیج وسیع جوانان کشور را برعهده گرفته و به مثابه بخشی از مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه تجاوز و اشغالگری امپریالیست ها و رژیم دست نشانده آنها مبارزه می نماید . جنبش انقلابی جوانان افغانستان در نهایت امر خواهان پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین و ایجاد یک دولت سکولار مردمی می باشد .

پیکار جوانان نشریه ای است که تمویل مالی آن از طرف اعضاء و هواداران جنبش انقلابی جوانان افغانستان صورت میگردد و متعلق به تمام جوانان کشور میباشد . این نشریه برای اینکه بتواند بطور هر چه وسیع تر پخش شود و منطما انتشار یابد ، نیازمند کمکهای مالی تمام جوانان انقلابی می باشد .

تا حال یکمقدار کمکهای مالی برای نشریه از طرف بعضی از هواداران جنبش انقلابی جوانان افغانستان در دسترس ما قرار گرفته است . ما از تمامی رفقا و دوستانی که کمکهای خود را برای نشریه پیکار جوانان ارسال نموده اند تشکر نموده و ابراز سیاس و امتنان مینماییم . امید واریم سلسله این کمک ها ادامه یابد و بیشتر و بیشتر گردد تا ما قادر گردیم انتشار هر چه وسیع تر و منظم تر نشریه را تامین نمائیم .

به پیش بسوی برپائی مقاومت ملی مردمی و انقلابی !

زنده باد جنبش انقلابی جوانان افغانستان !

پیکار جوانان
نشریه منطوقی
جنبش انقلابی جوانان افغانستان

سال اول	شماره اول	قوس ۱۳۸۵ (دسمبر ۲۰۰۶)
مرام نشراتی جنبش انقلابی جوانان افغانستان - ص ۲		
متن کامل پلانفرم مبارزاتی جنبش انقلابی جوانان افغانستان - ص ۲		
قتل های ناموسی تحت حمایت جمهوری اسلامی افغانستان - ص ۸		
نعلم کیست ؟ ص ۱۲		

پیکار جوانان
نشریه منطوقی
جنبش انقلابی جوانان افغانستان

سال اول	شماره دوم	جدی ۱۳۸۵ (جنوری ۲۰۰۷)
سما باید سیاست را بر سایر امور مقدم بشمارید.		
		افغانستان در پنج سالی که گذشت ! وقوع حادثه یازدهم سپتمبر ۲۰۰۱ (۲۰ سنبله ۱۳۸۰) بهترین بهانه برای حمله ستمگین نظامی امپریالیسم امریکا و متحدین شان به افغانستان شد تا از این طریق بتوانند حمله نظامی ستمگین شان را بالای افغانستان و به تعقیب آن تجاوز به این سرزمین را آغاز نمایند. این مغضبه باعث شد تا در هفتم اکتبر ۱۵ میزان ۱۳۸۰ همان سال حمله نظامی خود را بالای

پیکار جوانان
نشریه منطوقی
جنبش انقلابی جوانان افغانستان

سال اول	شماره سوم	دلو ۱۳۸۵ (فبروری ۲۰۰۷)
		برنامه عمل * عدالت انتقالی * رژیم پوشالی ؟ نورده اخیر قوس ۱۳۸۵ حامد کرزی برنامه عمل * عدالت انتقالی * رژیم را روی دست گرفت و به تفسیر و توضیح آن پرداخت و به قربانیان جنایات جنگی اطمینان تسخیر و بخت . او وعده سپرد که حیات کاران جنگی را به زودی به محاکمه میکشاند !!! یکی از شعارهای کاذبانه ای که از سوی امپریالیستها به رهبری امپریالیست امریکا برای تجاوز به افغانستان و اشغال آن مورد استفاده قرار گرفت و سگبوره کابین حقوق بشر و به محاکمه کشاندن جنایات کاران جنگی و از بین بردن جنگ سالاران جهادی بود. صفحه ۲
		از تکرار توطئه تصادم فرقه تی مذهبی به بهانه عاشورا جلوگیری کنیم ! این مقاله در روز دهه عاشورا از طرف جنبش انقلابی جوانان افغانستان درین مردمان زاده این سرزمین بصورت گسترده پخش گردید که در این شماره به چاپ مجدد آن سادرت و زبیده شده است. صفحه ۱۰

انتظارات ملت بعد از بیست و پنج سال مبارزه و آوارگی

از آنجائیکه کشور عزیز ما افغانستان در سالیان متمادی مورد تاخت و تاز اجنبی های رنگارنگ قرار گرفته و هر کدام از این متجاوزین نوعی بدبختی و فقر را برای ما به ارمغان آورده و سودهای هنگفتی برای خود از طریق نوکران داخلی خویش کمائی نموده اند .

اکنون نیز این سودپرستان بین المللی در کشور ما افغانستان ؛ کرزی عروسک دست نشاندۀ ای را بنام رئیس جمهور بالای سر این ملت بدبخت و جنگ زده تعیین و نصب نموده اند این عروسک دست نشاندۀ را، سالهاست که تحت تربیه قرار دادند ، تا امروز بتوانند از وجود وی استفاده نموده به اهداف شوم و غیر انسانی خود برسند و وی یگانه کسی است که ایشان میتوانند تمام خواسته های خویش را توسط او برآورده سازند .

برای اینکه بتوانند این متجاوزین خارجی چند روزی به عمر ننگین خویش ادامه دهند بعد از اینکه کشور ما را اشغال کردند ، به ابتکارات جدیدی دست زدند و توانستند در مدت بسیار کمی یکی پس از دیگری تمام سران با نفوذ جهادی را خریداری نموده ؛ همه شان را به آلت دست خویش تبدیل نمایند و آنان را جهت برآورده ساختن اهداف غارتگرانۀ خویش بکار گمارند . این رهبران مجاهدین که سالهای سال دست شان به خون ملت آلوده بوده و از خون این ملت محروم تغذیه کرده اند ، هزاران جوان را در جریان خانۀ جنگی های خانمانسوز ، فدای منافع غارتگرانۀ خود ساختند ، اکنون نیز در پست های بسیار بالای دولت امریکایی کرزی در خدمت اربابان تجاوز گر شان قرار گرفته اند . همچنان که تمام ملت ما شاهد اند ؛ سر تسلیم به درگاه اشغالگران فرود آورده ، به ندای عروسک دست نشاندۀ شان لبیک گفته و همراه با آنها ، به خوردن گوشت و پوست ملت مشغول گردیدند .

حالا ما ملت آواره و غمزه ماندم با خرابی ها ، ویرانی ها ، فقر ، بیکاری و هزاران فجایع غیر انسانی دیگر . قشر زحمتکش که نود درصد جامعه ما را تشکیل میدهد نا آگاهانه بدنبال این رهبران خود فروخته افتادند و از سر و مال خویش در مقابل شان در طول سالیان جنگ دریغ نمودند و تا پای جان برای به قدرت

رسانیدن این جنایت کاران و خود فروختگان ایستادگی نموده صدها هزار شهید ، معلول ، بیوه زن ، یتیم و بی خانمان را تقدیم مقاصد شوم شان نموده اند . اما در عوض این همه فداکاری ، و از خود گذشتگی چه چیزی نصیب خود گردانیدند ؟

آیا انتظارات ملت همین بود ؟ البته خیر . این ملت در مقابل این همه فداکاریها ، از خود گذشتگی ها و تحمل زحمات و سیه روزی ها آرزو داشت تا آزادی واقعی را با چشمان خود ببیند و بعد از این همه خواری و زحمت ، زندگی آزاد و آرامی داشته باشد . ولی قضایا بر عکس شد . اگر در گذشته دست و پای شان با زنجیر متجاوزین روسی بسته شده بود اکنون با خوشخدمتی این چاکران خائن با فریبکاری های غیر منتظره با زنجیر های تجاوزگران دیگر استعماری (انگلیس و امریکا) بسته شده است . اگر کسانی پیدا شوند که دم از آزادی و پایان دادن به این ستم ملی بزنند و از حقوق از دست رفته خود و هم نوعان خویش دفاع نمایند ، مهر تروریست بودن بروی میزنند . هر چیزی را که به نفع شان بوده و منافع سود پرستانه شان را تامین نماید ، قانونی و قابل اجرا می دانند ولی در مقابل هیچ مطلوبه ای از جانب اقشار زحمتکش و ستم دیده را پسندیده و مجاز نمیدانند و تلاش مینمایند تا کسانی را که خواهان تغییر این دنیای سودپرستان باشند و این ایده و مفکوره را در دل ها و مغز های خویش می پروراند سرکوب نمایند ..

به نظر شما خواننده عزیز چه باید کرد ؟ دست روی دست بگذاریم و همانطوری که سالیان سال شاهد بوده و هستیم امروز نیز تماشاکر کشته ها ، خرابی ها ، بیکاری های روز افزون و فسادی که دست های این خیانت کاران آلوده به آن است ، باشیم ؟ یا راه بیرون رفت از این همه خواری و زحمت را که وجود دارد جستجو نمائیم ؟ ما میخواهیم مردم ما بیکار نباشند و برای لقمه نانی فرزندان دلبند خویش را با شامل کردن در اردو و پولیس ملی رژیم مزدور اجنبی ها گوشت دم توپ این جانپان نسازند ؛ آرزو داریم زنان محروم جامعه ما برای بدست آوردن حد اقل مخارج زندگی و سیر نمودن شکم های اولاد شان دست به تن فروشی نزنند ؛ می خواهیم جوانان ما به علت بیکاری ، فقر و نابرابری

های اجتماعی به پدیده شوم و خانمان برانداز اعتیاد دست نزنند ؛ آرزو داریم مادران پیر ما مجبور نباشند تا از ساعات اولیه صبح تا غروب آفتاب در کارگاه های سرمایه داران دلال صفت به کارهای شاقه با گرفتن مزد بسیار ناچیز نپردازند و می خواهیم که پدران ما بتوانند فرزندان خویش را شامل مکتب بسازند و مجبور نباشند ایشان را جهت پیدا کردن لقمه نانی داخل کوچه و بازارهای شهردنبال مشتی پول روانه سازند و غیره و غیره

بر ماست تا با آگاهی و تلاش فراوان برای اخراج قوای اشغالگر از کشور و سرنگونی رژیم دست نشاندۀ ، که رژیم فئودال ها و سرمایه داران دلال است ، و ایجاد نظام مردمی مبارزه کنیم . زیرا سرنوشت افغانستان بدست اکثریت ستم دیده و محروم جامعه یعنی کارگران و دهقانان (زحمتکشان شهرها و دهات) تعیین میشود . به جای چشم امید دوختن به غارتگران خارجی و نوکران داخلی شان و وعده و وعید های فریبکارانه و دروغین شان ، باید با اتکاء به نیروی انقلابی طبقات و خلقهای تحت ستم و محروم کشور در پی بیرون راندن اشغالگران و ریشه کن کردن این رژیم سرتا پا خونخوار و فریبکار بر خواسته از هیچ گونه فداکاری در مقابل این ملت محرومی که شمه بسیار کوچکی از زندگی شان در بالا شرح داده شد ، دریغ ننمائیم . بیائید بیشتر از این نگزاریم سایه شوم این نابرابری های اقتصادی و اجتماعی ما را افسرده تر سازد . بیائید فقر اقتصادی ای را که امروز گریبان گیر ما است از ریشه بکشیم .

آنگاه ست که خواسته های این مردم زحمتکش بر آورده شده و دموکراسی واقعی مردمی در جامعه ما حکمفرما میگردد که این مامول بر آورده نخواهد شد مگر با اتحاد زحمتکشان افغانستان . بگفته یکی از مبارزین " اگر مردمی اراده کنند که زندگی از آن خودشان باشد ، سرنوشت هم چاره ای جز تسلیم در برابر شان ندارد " .

اصطلاحات سیاسی

وهمچنین هدف ها و شیوه های سیاسی برشالوده تغییر و رشد نظام اقتصادی جامعه صورت میگیرد. البته این وابستگی دیالکتیکی است و سیاست به هیچوجه منفعل و غیر فعال نیست. نهادها و اندیشه های سیاسی که خود بر شالوده اقتصادی پدید میگردند به نوبه خویش تاثیر جدی و فعال بر تکامل اقتصاد میگذارند. بنا در مقابل همه مسایل اقتصادی، سازمانی و اداری و غیره باید که موضع سیاسی داشت. معمولا سیاست به دو قسمت میشود: سیاست داخلی و سیاست خارجی. مناسبات بین طبقات و بین ملت هادر داخل یک کشور جزئی از سیاست داخلی است. مناسبات بین دولت ها و بین خلقها در صحنه بین المللی جزئی از سیاست خارجی است. سازمانها و جنبش های انقلابی سیاست خود را نه برشالوده تمایلات ذهنی بلکه بر تعیین دقیق و علمی ضروریات حیات مادی جامعه، وضع طبقات تناسب نیروها تدوین میکنند. سیاست جنبش های انقلابی برشالوده شناسایی دقیق قوانین تکامل اجتماعی و استفاده از آنها به سود جامعه متکی است. یک سیاست صحیح، یک مشی سیاسی درست برای اجرا و تحقق خودبکار سازمانی متناسب و به افراد و به کادرهایی که سیاست حزب، سازمان و یا جنبش خود را درک نموده و در راه تحقق آن کار و پیکار و فداکاری کنند نیاز دارد. کار و پیکاری که در عمل به سیاست جامعه واقعیت پو شانند. از همین رو هر جنبش انقلابی علاوه بر تعیین سیاست درست، علمی و اصولی باید توجه خاصی به تربیت سیاسی توده های مردم، امور سازمانی و تشکیلاتی و تربیت های کادرهای خود بنماید.

ارتجاع (Reaction)

در مفهوم سیاسی، این کلمه به معنی مخالفت با پیشرفت اجتماعی، به معنای مبارزه طبقات و اقلشار در حال نابودی و زوال علیه ترقی جامعه است.

سیر جبری تاریخ و مبارزه توده ها جوامع بشری را بسوی رشد و ترقی میبرد و اقلشار و طبقاتی که صاحب امتیازات در دوران مربوطه هستند و با سیر آتی جامعه مخالف اند و مایل اند که وضع موجود را حفظ کنند به نابودی حتمی محکوم میکنند. چنین است نابودی برده داران و سپس فئودال ها و پس از آن سرمایه داران که هر یک در دوران تاریخی معین خود، مطابق با سطح رشد نیروهای مولده محکوم به زوال میشوند. این طبقات برای حفظ منافع استثمارگرانه خود، برای حفظ امتیازات و موجودیت خود، با ترقی جامعه در تضاد واقع میشوند و با پیشرفت اجتماعی مخالفت میورزند؛ مظهر آن مناسبات تولیدی فرسوده ای میشوند که به سدی در راه تکامل جامعه بدل شده است.

بنابراین ارتجاع یعنی دفاع از نظام فرسوده و محکوم به نابودی، یعنی مخالفت با ترقی و پیشرفت، ارتجاع گاه به شکل جبر و اختناق خونین و ترور جمعی توده ی مردم جلوه گرمیشود، گاه در سیمای افکار و عقاید پوسیده و کهنه با تکیه بر عادات و عقب ماندگی های فرهنگی

تجاوز

حمله مسلحانه یک کشور به اراضی یک کشور دیگر بمنظور تصرف تمام یا قسمتی از خاک کشور مورد تجاوز با عملیات خرابکارانه در آنکشور تجاوز خوانده میشود.

ایدئولوژی (Ideology)

ایدئولوژی عبارت است از سیستم نظریات و اندیشه های سیاسی حقوقی هنری، مذهبی، فلسفی و اخلاقی.

ایدئولوژی بخشی است از روبنا و دارای خصلت طبقاتی است و بنابراین در آخرین تحلیل منعکس کننده مناسبات اقتصادی یعنی زیربنای جامعه است. در جامعه ای که به طبقات متخاصم تقسیم شده یکی از اشکال مبارزه طبقاتی، پیکار ایدئولوژیک است، منافع طبقات ارتجاعی و در حال نابودی حکم می کند که واقعیت نفی شود و حقیقت زیر پا گذاشته شود و به همین جهت ایدئولوژی این طبقات غیر حقیقی است، منعکس کننده واقعی حقایق نیست، علمی نیست بر عکس منافع طبقات مترقی و انقلابی به ایجاد ایدئولوژی منعکس کننده واقعیت و علمی کمک میکند. تکامل ایدئولوژی، اگرچه وابسته به مناسبات اقتصادی است ولی در عین حال دارای استقلال نسبی نیز هست، نمونه این استقلال نسبی را منجمله در این زمینه ها می بینیم:

۱. محتوی ایدئولوژی را نمیتوان بی واسطه و مستقیما به علل اقتصادی توضیح داد.

۲. رشد عامل اقتصادی و ایدئولوژی همزمان و موازی نیست.

۳. بر تکامل ایدئولوژی به مثابه سیستم نظریات و اندیشه ها، یک دسته از عواملی که دارای ماهیت غیر اقتصادی هستند نیز تاثیر میگذارند.

از این قبیل است تاثیر اشکال ایدئولوژی یکی بر دیگری و نقش شخصی این یا آن اندیشه پرداز (ایدئولوگ) و غیره.

سیاست

یعنی اولاً هدف ها و ارمان های که یک طبقه اجتماعی در مبارزه برای تامین و حفظ منافع خود تعقیب میکند و ثانيا روشها و شیوه های که به کمک آنها این منافع حفظ شده یا به کرسی نشاندن میشود. مهمترین جز متشکله سیاست در درجه اول عبارت است از امور مربوط به شرکت در کارها و مسائل دولتی، راه و رسم حکومت و کشورداری، مشی دولت و تعیین اشکال و وظایف و محتوی فعالیت دولت. بعبارت دیگر مقوله سیاست در درجه اول به مقوله دولت پیوستگی دارد. سیاست منعکس کننده مبارزه طبقاتی است و در آخرین تحلیل وضع اقتصادی هر طبقه تعیین آن است. سیاست بر اساس تعریف خود " بیان متبلورو متمرکز اقتصاد" است.

تغییر و تکامل عقاید و نظریات سیاسی و موسسات و نهادهای سیاسی

علیه اندیشه های ترقی خواهانه مبارزه میکند. ارتجاع به شکل تجدید ستم بر توده های زحمت کش از نظر اقتصادی و سیاسی بر ملت های که از حقوق خود محروم شده اند و یا به شکل سرکوب نهضت انقلابی که جامعه را به جلو میراند، تظاهر میکند. در عصر امپریالیزم، در کشورهای جلو افتاده از نظر صنعتی، فاشیسم و ملیتاریسم (نظامی گری) جلوه های ارتجاع هستند. مترجع به کسی میگویند که روش خصمانه ای با هر چه مترقی، نو، بالنده و پیشرو است داشته باشد و برای حفظ و احیای مجدد نظام فرسوده و پوسیده، یا افکار کهنه و عقب مانده کوشش نماید.

پان....

" پان " که بمعنی همه و همگانی است بصورت پیشوندی در پاره ای اصطلاحات سیاسی بکار میرود که معروفترین آنها از این قرار است: پان ژرمانیسم - بمعنی وحدت قوم آلمانی زبان که در آغاز جنگ اول جهانی در سال ۱۹۱۴ عنوان شد و پس از روی کار آمدن هیتلر در سال ۱۹۳۳ و انضمام اتریش به خاک آلمان در سال ۱۹۳۸ اساس سیاست توسعه طلبی آلمان قرار گرفت.

پان امریکانیسم - بمعنی وحدت کشورهای نیمکره غربی که سازمان کشورهای امریکایی بر اساس آن تشکیل شده است.

پان اسلاویسم - بمعنی وحدت نژاد اسلاو که شامل روسیه و کشورهای اروپای شرقی میشود.

پان عربیسم - بمعنی وحدت ملل عرب و پان تورکیسم بمعنی وحدت ترک زبانها از همین ریشه است. و پان اسلامیزم به معنی وحدت کشورهای مسلمان.

خلاصه " پان " یک کلمه همگانی و بمعنی وحدت بصورت پیشوند در اصطلاحات سیاسی بکار میرود.

فاشیسم (Fascism)

معنای علمی این کلمه عبارت است از نظام دیکتاتوری متکی به اعمال زور و ترور آشکار که توسط ارتجاعی ترین و متجاوزترین محافل امپریالیستی مستقر میشود.

فاشیسم زاینده بحران عمومی سرمایه داری است. فاشیسم در مرحله ای از مبارزه شدید طبقاتی میان پرولتاریا و بورژوازی پدید میگردد که سرمایه انحصاری دیگر قادر نیست سلطه خود را از طریق پارلمانی و شیوه های متعارفی حکومت حفظ کند و لذا به استبداد و ترور، سرکوب خونین جنبش کارگری و هر جنبش دمکراتیک دیگر و نیز به عوامفریبی های گزافه گویانه متوسل میشود.

فاشیسم سیاست و عمل خود را به ممنوع کردن احزاب انقلابی، سندیکاها و سایر سازمانهای مترقی، الغاء کلیه حقوق و آزادی های دمکراتیک و نظامی کردن دستگاه های دولتی و همه حیات اجتماعی کشور همراه با عوامفریبی های " اجتماعی " و تبلیغات متکی بر تعصب ملی و نژادی و ادعای وحدت ملی و آشتی ملی مبتنی میسازد. فاشیسم برای اجرای این مقاصد از دسته جات ضربتی، قاتلین و عناصر وازده و اوباش استفاده میکند. همانطور که هیتلر در آلمان از گروه اس

اس ها و موسولینی از گروه پیراهن سیاهان در ایتالیا استفاده کرده بود. نژاد پرستی و شوونیسم و تئوری های نظیر آن حربه های اساسی اندویدولوژیک فاشیسم را تشکیل میدهند. از نظر تاریخی فاشیسم نخست در ایتالیا در سال ۱۹۱۹ بوجود آمد و سه سال بعد توانست حکومت را در این کشور غصب کند. حزب فاشیستی آلمان در سال ۱۹۲۰ ایجاد شد و نام عوامفریبانه ناسیونال سوسیالیست بر خود نهاد. این حزب در سال ۱۹۳۳ به کمک انحصارهای بزرگ آلمانی و خارجی حکومت را بدست گرفت و دیکتاتوری خونین هیتلری را مستقر کرد. تجزیه جنبش کارگری آلمان در آن هنگام و روش اپورتونیستی سوسیال دمکراتهای راست به فلج کردن نیروی عظیم طبقه کارگر آلمان و بالاخره به پیروزی فاشیسم کمک کرد. در آلمان هیتلری که مظهر فاشیسم و نمونه روشن آن به شمار میرود، سندیکاها و کارگری و سایر سازمانهای دمکراتیک یکی پس از دیگری سرکوب شدند. استبداد سیاسی حکم فرما شد، نخبه دانشمندان و روشنفکران و ادبای آلمانی بر اثر دیکتاتوری و سیاست ضد یهود فاشیستها مجبور به جلای وطن شدند. فاشیست ها با استفاده از تئوری های فضایی حیاتی و جیوپولیتیک و نژاد برتر با اقدامات عملی و انحصارهای بزرگ جنگ جدیدی را به منظوری تقسیم مجدد جهان و اشغال سرزمین های دیگر کشورها تدارک دیدند. این سیاست منجر به جنگ دوم جهانی شد که بالاخره با درهم شکستن کامل نظامی، اقتصادی و سیاسی ارتجاع فاشیستی و با پیروزی اتحاد " شوروی " و اتحاد ضد هیتلری فاشیستی پایان یافت.

پس از این شکست نیز عناصر فاشیست نیز بار دیگر در کشورهای امپریالیستی عرصه جدیدی برای فعالیت یافتند، محافل مترجع و تجاوزکار همچنان حامی اصلی آنها هستند و مخارج آنها را تامین میکنند. در آلمان غربی، انگلستان، ایالات متحده آمریکا، جاپان، فرانسه، ایتالیا و غیره، ده ها سازمان فاشیستی و دارودسته های مسلح که علنا نازیسم را تبلیغ میکنند و هیتلر را معبود خود می شمارند مرکب از جنایتکاران حرفه ایی که در راس آنها افراطی ترین محافل راست امپریالیستی قرار دارند، فعالیت میکنند. به عملیات تروریستی، ارعاب و تحریک سرگرم اند و از پشتیبانی همه جانبه عالیترین مقامات مالی و نظامی و سیاسی برخوردارند. رژیم سرمایه داری از کلیه این دسته جات برای سرکوب جنبش های کارگری و اعتصابات توده ای، خرابکاری و هشدار و اقدامات تحریک آمیز استفاده میکند. در این اواخر بسیاری از آنان نام و قیافه ماورا چپ بخود میگیرند یا به گروه های چپ و انقلابی نما همکاری نزدیک برقرار میکنند.

در معنای علمی دقیق خود، فاشیسم محصول امپریالیزم و حربه انحصارهاست و لی در عین حال با توجه به شیوه های خاص، اعمال دیکتاتوری و ترور، آمیخته با عوامفریبی عبارت " حکومت فاشیستی " به نظامهای استبدادی دیگری هم که تمام مخالفان و آزادی خواهان و احزاب سیاسی را وحشیانه سرکوب میکنند و کلیه حقوق بشری و آزادی های مدنی را از بین میبرند اطلاق میشود.

علاوه بر ارگان های رسمی امنیتی و نظامی دولتی، گروه های ضربتی ویژه تعلیم یافته و به سبک فاشیستی همواره آماده عمل بر ضد میهن پرستان اند.

نازیسم دارای فاشیسم است، این کلمه از حروف اول حزب فاشیستی هیتلر که " حزب کارگری ملی سوسیالیستی " خوانده میشود. (و البته نه کارگری بود نه ملی بود و نه هم سوسیالیستی) ترکیب یافته است.

اشعار انتخابی

عصیان

ز راه دور می آید
صدای غرش و توفان
و می راند ز گرداب جهالت،
به ساحل کشتی بی ناخدا را.
ز راه دور می آید
صدای غرش و توفان
و می پاشد با هر قطره
در جویبار خشک و گرما سوخته گردون
نم نم و باران آزادی
و زنجیرها همه در انتظار صائقه
آن نیلگون ابری که رعد آسا
بانگ جرس در سینه دامن صحرا
مینوازد طبل آزادی
و توفان با هیاهویش
خس و خاشاک را از بین خواهد برد
از آنسو ها می آید صدای
قهر
عصیان
خشم و
نفرت و انزجار ظلم
بهشت عنبرین جامه زر پوشان
و زنجیرهای تاریخ مانده بر دست و پاها مان
همه نابود خواهد شد
و با باد آمده افسانه معراج
یک شب محو خواهد شد
و چون افسانه ی بر صفحه گیتی
خواهد ماند
"فرید بی کیار"

عشق پرواز

چه جان بخش است در عشقی تپیدن
جهانی دیگر از نو آفریدن
بسوی کهکشانشا پیش رفتن
به بال زحمت انسان پریدن
شهاب تیزگام رزم و پیکار
در این وادی به پرواز آوریدن
به تیغ خشم محنت آشنایان
گلوی میرو سلطان را بریدن
و آنگه در بهارستان میهن
به پای گلبن زحمت چمیدن
سرود زندگانی ساز کردن
گل امید انسان پروریدن
زباغ آرزوی رادمردان
گیاه هرزه گی را پاک چیدن
خوشا در پرتو خورشید زحمت
"جهانی دیگر از نو آفریدن"

اینکه جهان بد است و نه
انسانها، قابل قبول است
، جهان باید تغییر کند
و برای تغییر آن موعظه
کفایت نمیکند.



گزارش و تحلیلی

از تظاهرات سه چرخه داران در هرات

در نیمه اول برج دلو مدیریت ترافیک هرات دستور داد که سه چرخه داران باید سه چرخه های خود را به ترافیک آورده و جواز سیراخذ نمایند . این فیصله باعث شد که مامورین پولیس ترافیک در گوشه و کنار شهر به جمع آوری سه چرخه ها مصروف شوند و..... صفحه ۵



جنایت اشغالگران امپریالیست در ننگرهار و کاپیسا و تظاهرات گسترده مردم صفحه ۸



ابراز سپاس و امتنان

جنبش انقلابی جوانان افغانستان قویا باورمند است که در جریان مبارزه گسترده ملی - دموکراتیک ، جنبش مقاومت ملی مردمی و انقلابی قدرتمند علیه تجاوز و اشغالگری امریکا ایجاد گردیده و گسترش میابد صفحه ۹

انتظارات ملت بعد از بیست و پنج سال مبارزه و آوارگی صفحه ۱۰

اشعار انتخابی صفحه ۱۳

اصطلاحات سیاسی صفحه ۱۱

آدرس های ارتباطی منظقی

جنبش انقلابی جوانان افغانستان

Paikarejawan@gmail.com

basoye@hotmail.com

soray1364@yahoo.com

وبلاگ جنبش انقلابی جوانان افغانستان

www.basoye.persianblog.com

